



هرکار پسندیده و با ارزشی اگر حرام نباشد، عمل صالح است

آیت الله مظاهری گفت: «عملوا الصالحات» در قرآن که بیش از دویست مرتبه تکرار شده و تعریف شده، فقط مربوط به عبادات نیست، بلکه هرکار پسندیده و هرکار باارزشی اگر حرام نباشد، عمل صالح است.

آیت الله مظاهری گفت: «عملوا الصالحات» در قرآن که بیش از دویست مرتبه تکرار شده و تعریف شده، فقط مربوط به عبادات نیست، بلکه هرکار پسندیده و هرکار باارزشی اگر حرام نباشد، عمل صالح است.

به گزارش خبرگزاری مهر در پی درس اخلاق اخیر آیت الله مظاهری برای علاقه مندان می آید.

بحث ما درباره معرفت النفس یعنی خودشناسی بود. دوازده فصل از این بحث مهم را عنوان کردم و بحث دوازدهم ناقص ماند که امشب به خواست پروردگار عالم و لطف حضرت ولی عصر درباره اش صحبت می‌کنم، و بحث این بود که انسان باید برای خود شخصیت درست کند. این را خدا می‌خواهد و همه انسان‌ها نیز می‌خواهند و کسی نیست که نخواهد شخصیت داشته باشد. همه عزت را می‌خواهند، عزت خانوادگی، عزت اجتماعی، عزت ملی و بالاخره همه از نظر فطرت می‌خواهند عزیز باشند و با ابهت باشند و با شخصیت باشند. قرآن هم می‌فرماید:

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» [۱] خدا عزت دارد و پیغمبرش عزت دارد و مؤمن هم باید شخصیت داشته باشد و باید در پیش مردم عزیز باشد.

بحث این بود که چه کنیم شخصیت پیدا کنیم. یکی اینکه قرآن می‌فرماید با تقوا. اگر عزیز پیش خدا شدی و متقی شدی، خواه ناخواه و به طور ناخودآگاه در میان مردم عزیز می‌شوی و قرآن در این باره خیلی سفارش می‌کند. می‌فرماید متقی شو، آنگاه عزیز می‌شوی. هرچه رابطه با خدایت محکم‌تر باشد، عزت اجتماعی تو بیشتر است. در این باره فی الجمله صحبت کردم.

دوم علم است. اگر کسی می‌خواهد اجتماع او را دوست داشته باشد، باید عالم باشد. هرچه علمش بیشتر باشد، نفعش بیشتر، ولو نفع هم برای اجتماع نداشته باشد، اما مردم عالم را دوست دارند و ابهت اجتماعی در میان مردم دارد. البته این را نیز خدا می‌دهد اما تلاش و کوشش از خود اوست. در این باره نیز فی الجمله صحبت کردم و بالاخره بحث رسید به اینجا که ما اگر عالم به علوم اجتماعی نیستیم، لاًقل باید عالم به علوم دین باشیم. این واجب و لازم است. از همه چیز واجب‌تر این است که انسان عالم به علوم دین باشد. از نظر اعتقادات، عالم باشد، از نظر اخلاق، عالم باشد، از نظر احکام نیز عالم باشد. لذا پیغمبر اکرم(ص) می‌فرمایند: این سه علم واجب و لازم است و هرکه نداشته باشد، ناقص است. اگر کسی احکام دینش را بلد نباشد و تسلط بر رساله عملیه نداشته باشد، ناقص است و مسئول هم هست. احکامش باطل است و جاهل مقصر است و جاهل مقصر باید به جهنم رود.

یا کسی راجع به علم اخلاق بی تفاوت باشد، خواهناخواه رذائل او را می‌برد و معلوم است کسی که رذائل او را ببرد، رستگار نخواهد شد. در میان مردم هم شأن و شخصیت و عزتی ندارد. همچنین راجع به اعتقادات، ما باید بدانیم که شیعه چه می‌گوید؟ این یک جمله است، اما بحث‌های فراوانی دارد که همه و مخصوصاً جوان‌ها و مخصوصاً دانشجویان باید بدانند که شیعه چه می‌گوید یا دلیل شیعه چیست؟ اگر راجع به علوم اجتماعی خیلی بالا نیست و یا اصلاً بالا نیست، اما هرکه هست و هرچه هست، راجع به اعتقادات و اخلاق و احکام باید عالم باشد. اگر جداً به این سه علم آشنایی داشته باشد، علاوه بر اینکه حالت انحراف برایش پیدا نمی‌شود در میان مردم هم به طور ناخودآگاه عزیز است. مردم بخواهند یا نخواهند و خودش بخواهد یا نخواهد، ابهت اجتماعی و شخصیت اجتماعی دارد.

سوم چیزی که ابهت اجتماعی می‌آورد، تلاش و کار و کوشش است. انسان باید فعال باشد. کار از آرزوهای او باشد. کار پیش او محبوب باشد و باید تلاش و کوشش داشته باشد تا محبوبیت اجتماعی به‌دست آورد، بلکه همه چیز مربوط به همین کار و کوشش و تلاش است. لذا قرآن روی این کار و تلاش و کوشش خیلی پافشاری دارد. می‌فرماید: حیات طیب مرهون همین کار و تلاش و کوشش است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [۲] هرکه ایمان به خدا داشته باشد و علاوه بر این کار صالح و شایسته داشته باشد، حتماً در همین دنیا حیات طیب دارد. قرآن می‌فرماید: اما در آخرت حیات طیب‌تر و بالاتر دارد. لذا هرکه حیات طیب بخواهد، مرهون کار و تلاش و کوشش است.

ما در قرآن معمولاً نداریم که فقط بگویند ایمان داشته باش یا فقط بگویند عمل صالح داشته باش! بلکه هرکجا ایمان می‌آید، عمل صالح با اوست و هرکجا عمل صالح باشد، ایمان هم با اوست. «الذین آمنوا» فقط در قرآن نیست یا بسیار کم است، «الذین عملوا الصالحات» یا نیست یا در قرآن خیلی کم است و آنچه به صورت مکرر در قرآن آمده، «آمنوا و عملوا الصالحات» است. معمولاً مفسرین گفته‌اند یا در میان مردم مشهور شده که در «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» [۳]، عمل صالح یعنی نماز یا روزه یا فروع دین. بلکه این یکی از آنهاست.

به هرچه که پیش خدا شایسته باشد، عمل صالح می‌گوییم. حال گاهی نماز است و گاهی تلاش و کوشش برای این است که خود و زن و بچه در رفاه باشند و این نیز عمل صالح است. گاهی خدمت به خلق خدا می‌کند و این عمل صالح است و گاهی مثلاً به کربلا و مکه می‌رود و این نیز عمل صالح است. این عملوا الصالحات در قرآن را فقط به کارهای عبادی معنا نکنید، بلکه به هرکاری که شایسته باشد و حرام نباشد. به هرکاری که حرام نباشد، عمل صالح می‌گویند. لذا کارگری که زحمت می‌کشد برای اینکه زن و بچه‌اش در رفاه باشند، کار صالح انجام می‌دهد. حتی امام صادق (ع) می‌فرمایند: نه تنها کار صالح انجام می‌دهد، بلکه ثواب جبهه دارد: «الكاد على عياله كالمجاهد في سبيل الله» [۴] هرکه زحمت بکشد برای اینکه زن و بچه‌اش در رفاه باشند، مثل کسی است که در راه خدا جبهه و شهادت داشته باشد.

همین روایت را راجع به خانم هم داریم. خانمی آمد خدمت پیغمبر اکرم (ص) و گفت من پیغامی از همه زن‌ها دارم و اینکه چرا در میان مرد و زن تبعیض هست؟ پیغمبر اکرم (ص) تعجب کردند و فرمودند: تبعیض در اسلام نیست. زن گفت: مثلاً مردها به جبهه می‌روند و آن ثواب‌ها را دارند، اما زن‌ها باید در خانه بنشینند و آن کارها را نکنند. پیغمبر اکرم (ص) خیلی خوشنود و خوشحال شدند و به خانم گفتند: آفرین با این سؤال و با این پیغام. بعد جواب او را دادند و فرمودند به همه زن‌ها بگو: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حَسَنُ التَّبَعْلِ» [۵] زن بتواند در خانه شوهرداری کند و مرد جبهه بیافریند، جوان صالح و شایسته تحویل جامعه دهد و دختر با عفت تحویل جامعه دهد، همین خانه داری و شوهرداری و بچه داری جهاد در راه خداست. همین‌طور که آن مرد جبهه می‌رود و ثواب می‌گیرد، این خانم نیز در خانه جهاد است و ثواب جهاد می‌گیرد. لذا چون بعد می‌خواهم در همین باره صحبت کنم، همه و مخصوصاً جوان‌ها توجه به این مطلب داشته باشند که «عملوا الصالحات» در قرآن که بیش از دو بیست مرتبه تکرار شده و تعریف شده، فقط مربوط به عبادات نیست، بلکه هرکار پسندیده و هرکار بارزشی اگر حرام نباشد، عمل صالح است.

از همین جهت فقها در فقه‌شان کار را به پنج قسم منقسم می‌کنند و می‌گویند واجب و مستحب و حرام و مکروه و مباح. و مثلاً درباره کاسبی و تجارت کتاب می‌نویسند. مکاسب شیخ انصاری مربوط به بازار است. آن وقت‌ها که بازاری‌ها مقید بودند، درس خصوصی پیش علما داشتند راجع به مکاسب و من جمله مکاسب شیخ انصاری. لذا همین تجارت اگر رباخوری در آن نباشد و اگر بی‌انصافی در آن نباشد، و اگر فریب و دغل‌کاری در آن نباشد، همین بازار مسجد است. مسجد برای نماز با آن ثواب‌ها و بازار هم برای کسب و کار با آن ثواب‌ها. لذا «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» [۶] یعنی کار پسندیده. برای خانم شوهرداری و خانه داری و بچه داری و بالاخره اجتماع مرهون خانم در خانه است. اگر خانم در خانه بچه دار و شوهردار و خانه دار نباشد، کار حسابی لنگ است. خانم است که می‌تواند شوهر را مہیای برای کار و حتی مہیای برای جبهه کند.

خانم است که می‌تواند جوان صالح و شایسته تحویل جامعه دهد. خانم است که می‌تواند دختر عقیف و فهمیده و شوهردار تحویل جامعه دهد. ثوابش نیز ثواب جبهه است و عبادت است. عبادت گاهی نماز است و خانم نماز اول وقت می‌خواهد و حتماً باید بخواند و ثواب عبادت ببرد و گاهی هم باید شوهرداری کند و ثواب جبهه ببرد و ثواب شوهرداری و بچه داری و خانه داری ببرد. کاری که خانم در خانه می‌کند مثل کسی است که نماز در مسجد می‌خواند. هردو مصداق: «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» [۷] هستند. این دو بیست مرتبه به بالا که در قرآن آمده ایمان و عمل صالح موجب رستگاری است، فقط معنا نکنید که عمل صالح یعنی نماز و روزه، بلکه معنای عامی برایش درست کنید و بگویید کار و تلاش و کوشش اما پسندیده که مردم بپسندند و خدا بپسندد و اسلام عزیز این کار را امضا کرده باشد.

این عمل صالح و شایسته است، چنانچه نماز بخواند که مرجع تقلید بپسندد، بهشت دارد یا کاسبی کند که مرجع تقلید قبول داشته باشد، مثل نماز است و عمل صالح و شایسته است و به قول قرآن: «طُوبَى لَهُمْ» و به قول قرآن حیات طیب از اوست. لذا اگر ما شخصیت اجتماعی بخواهیم تلاش و کوشش و کار می‌خواهد. مبعوض ترین چیزها پیش پیغمبر اکرم (ص) بطالت و تنبلی است و لذا پیغمبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

«أَبْغَضُكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى كُلُّ نَوْمٍ وَ أَكُولٍ وَ شَرُوبٍ» [۸] آدم‌های پرخواب و پرخور و تنبل، مبعوض‌ترین افراد پیش خدا هستند. حتی روایتی نقل می‌کنند که پیغمبر اکرم (ص) در کوچه می‌رفتند و جوان رشیدی در کوچه با پیغمبر خیلی گرم گرفت و پیغمبر هم با او خیلی گرم گرفت و وقتی رد شد، پیغمبر پرسیدند این چه کاره است؟ گفتند بیکار است. پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: از

چشم من افتاد. ما باید این روایات جزئی را کلی حساب کنیم و مواظب باشیم.

انسان مسلماً باید بخوابد، اما به اندازه باشد و خواب زیادی تلف کردن عمر است و تلف کردن عمر خیلی معونه می‌خواهد. روایتی داریم که روایت خیلی بالاست برای همین که مواظب باشیم عمرمان تلف نشود. عمرمان با تلاش و کوشش و کار صرف شود.

پیغمبر اکرم(ص) می‌فرماید: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ لَا يَرْوُلُ الْعَبْدُ قَدَمًا عَنْ قَدَمٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَنْ عَمَلِهِ فِيمَا أَقْتَاهُ وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَثْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا دَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حَيْثَا أَهْلَ الْبَيْتِ» [۹]

در روز قیامت قبل از حساب و کتاب، بازپرسی می‌شود که اگر در این بازپرسی بماند، حساب و کتابش خیلی مشکل می‌شود. باید این بازپرسی را جواب دهد و راجع به دو چیز در این بازپرسی سوال می‌کنند. یکی اینکه جوانی تو در چه هدر رفت و در چه مصرف کردی. دوم عمرت را در چه تلف کردی؟! اگر بتواند جواب دهد، عالی در می‌آید و اگر نتواند جواب دهد و جوانی را در کارهای بیهوده تلف کرده باشد و صرف گناه کرده باشد و کارهای ناشایسته و غیر صالح کرده باشد و یا عمر را در خواب زیادی و خوراک زیادی و بالاخره در رفاقت گری صرف کرده باشد، آنگاه حساب او خیلی مشکل می‌شود.

این روایت انصافاً برای همه روایت تکان دهنده‌ای است. العیاذبالله در صف محشر وارد شویم، قبل از حساب و کتاب و قبل از شفاعت و قبل از دسترسی به اهل بیت، با این بازپرسی که عمر را در چه مصرف کردی و جوانی را در چه چیز به هدر داری؟! اگر بتواند بگوید در کار و تلاش و کوشش و در درس و بالاخره در کارهای شایسته، آنگاه حساب و کتابش آسان می‌شود و اما اگر نتواند جواب دهد، کار مشکل است. مثالی در میان عوام هست که می‌گویند: عمر طلاست و این غلط است. برای اینکه طلا در پیش مردان خدا چیزی نیست، اما آنچه هست تلاش و کوشش و کار از هر طلایی بالاتر است. انسان در جوانی کار و تلاش کند و لذا یکی از وظایف پدر و مادر همین است که باید این بچه‌ها را با جُرْزه و فعال و با کار بار آورد.

روایتی داریم که خیلی شیرین است، مخصوصاً راجع به روان شناسی کودک، خیلی روی روایت پافشاری دارند. می‌گویند این بچه که زیر دست پدر و مادر است و در خانه زندگی می‌کند باید عمرش سه قسمت شود. یک قسمت تا هفت سالگی که آزاد است. به این معنا که خیلی امر و نهی به او نکنیم و تربیت کنیم که یک بچه هفت ساله تربیت به امور دینی باشد و مهیا برای کار و تلاش باشد.

اما سخت‌گیری نباشد. بعد می‌فرمایند: در هفت سال دوم کار و تلاش و کوشش کند و کارهای خانه را این بچه انجام دهد. اگر دختر باشد، مادر باید با تلاف و مهربانی امر و نهی کند و این دختر بتواند خانه دار باشد و اگر پسر باشد، با جُرْزه و فعال بار بیاورد و بالاخره تلاش و کار و کوشش در عمق جان او ملکه شود.

در هفت سال سوم به بعد یعنی چهارده سال به بعد، می‌فرمایند به او شخصیت اجتماعی دهید. حتی امام صادق(ع) می‌فرمایند: با او مشاوره کن. در کارها با او مشورت کن و شخصیت او را پرورش بده و از چهارده سال به بعد علاوه بر اینکه آدم فعالی است، آدم باشخصیتی شود و با او مشورت کنید. معنایش هم این نیست که هرچه او بگوید قبول کن، بلکه برای او شخصیت قائل شو. لذا خیلی باید مواظب باشید عمر بچه‌هایتان به بطالت و خواب و بیکاری نگذرد.

مسئولیت سنگین است و بچه داری فوق العاده مشکل است. در این باره کتاب‌ها هم زیاد نوشته شده است و حیف که مردم سر و کار با اینگونه کتاب‌ها ندارند. درباره تربیت کودک زیاد کتاب نوشته شده و درباره نحوه تربیت زیاد کتاب نوشته شده و با هر ذوقی کتاب داریم و یکی از چیزهایی که بر پدر و مادر واجب است، اینکه این بچه را با جُرْزه و کار و فعالیت بار آورند. مواظب باشید بچه شما تنبل و پر خواب نباشد. چنانچه پیغمبر اکرم(ص) فرمودند:

«أَبْعُضْكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كُلُّ نَوْمٍ وَ أَكُولٍ وَ شَرْوَبٍ» [۱۰] مبعوض ترین مردم پیش خدا کسی است که تنبل باشد، مبعوض ترین افراد پیش خدا کسی است که زیاد بخوابد. برای بچه‌ها همین است و برای بزرگ‌ترها نیز همین است.

انسان باید نماز شب داشته باشد. مگر می‌شود شیعه نماز شب نخواند. همه شما شنیده‌اید امام حسین(ع) وقت خداحافظی به زینب مظلومه گفتند: التماس دعا در نماز شب‌هایت. تاریخ نویسان می‌نویسند که زینب مظلومه یک شب در این مسافرت نشد که نماز شب نخواند و حتی در شام عاشورا نماز شب خوانده است. بعد از اینکه کارهایش را انجام داد، شناخت وظیفه و عمل کردن به وظیفه، بچه‌ها را جمع کرد و برای آنها آب گرفت و به آنها آب داد و از بچه داری راحت شد، موقع نماز شب پیش امام سجاد(ع) رفت و نماز شب خواند. حتی امام سجاد(ع) به زینب مظلومه اعتراض کرد که چرا نماز شب را نشسته خواندی؟ او

هم جواب داد که می‌خواستم بایستم اما زانوهایم تاب ایستادن نداشت.

بالتر از این، نصف شب در پشت دروازه کوفه رسیدند و اینها را در پشت دروازه کوفه پیاده کردند و زینب مظلومه اول پرستاری بچه‌ها را کردند و دل‌داری به زن‌ها دادند و وقتی از این کار فارغ شد، موقع نماز شب شد، نماز شب را نشسته در پشت دروازه کوفه خواندند. وقتی موقع کار است، کار می‌کند و وقتی موقع تسلی دادن است، حتی امام سجاده (ع) را دل تسلی می‌دهند و وقتی موقع نماز شب است، نماز شب را می‌خواند. به اینها زن شایسته و به کار نیز کار شایسته می‌گویند. سرتا پا کار زینب مظلومه شایسته بود. آنجا که نماز اول وقت می‌خواند، «عملوا الصالحات» و آنجا که نماز شب می‌خواند، «عملوا الصالحات» و آنجا که دل تسلی به بچه‌ها و زن‌ها می‌داد، «عملوا الصالحات». بالاخره شناخت وظیفه و عمل کردن به وظیفه داشت. اینها سرمشق است و ما باید از کربلا خیلی سرمشق بگیریم. کربلا یعنی یک دنیا اخلاق، کربلا یعنی یک دنیا سرمشق برای زندگی و برای عزت دنیا و آخرت.

.....

پانوشتها؛

[۱] . المنافقون، ۸: «و [بی] عزّت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.»

[۲] . النحل، ۹۷: «هر کس -از مرد یا زن- کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.»

[۳] . البقرة، ۲۵: «و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند.»

[۴] . الکافی، ج ۵، ص ۸۸

[۵] . تحف العقول، ص ۶۰

[۶] . البقرة، ۲۵: «و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند.»

[۷] . البقرة، ۲۵: «و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند.»

[۸] . مجموعه‌ورّام، ج ۱، ص ۱۰۰

[۹] . جامع‌الآخبار، ص ۱۷۵

[۱۰] . مجموعه‌ورّام، ج ۱، ص ۱۰۰